

مشق روزنامه

تأثیر اینترنت بر خانواده‌های دارای نوجوان

خانواده یک نظام اجتماعی است که مرزهای دارای نفوذی دارد و فناوری منبع مهم تغییر آن محسوب می‌شود. ابداعات فناوریانه وارد خانواده می‌شوند و تغییرات را در هنجارها و نقش‌های اجتماعی به وجود می‌آورند. دکتر اسماعیل سعدی‌پور، عضو هیات علمی دانشگاه علامه‌طباطبایی، در شماره ۷۶ نشریه علمی- پژوهشی «پژوهش‌های ارتباطی» تحقیقی با عنوان «بررسی اثرات اینترنت بر خانواده‌های دارای فرزند نوجوان» منتشر کرده و در آن، به چالش‌های خانواده‌های دارای نوجوان وقتی که اینترنت وارد خانه‌ها می‌شود پرداخته است. بنا بر نوشته این محقق، خانواده یک نظام اجتماعی به‌نسبت بسته است و اینترنت نوعی فناوری است که «سوراخی در دیوار خانواده ایجاد کرده است». این مفهوم‌سازی، بر اهمیت مرزهای خانواده به‌عنوان یک امر ضروری تأکید دارد. مرزهای این خانواده و جهان خارج، دارای اهمیت و برای حفظ ایفای نقش اجتماعی والدین ضروری هستند؛ به‌این‌ترتیب، خانواده هسته‌ای مرزهای روشن و حتی سختگیرانه‌ای بین زندگی عمومی بیرون شکل می‌گیرند. والدین و فرزندان در زندگی با یکدیگر، درباره اینکه آنها چرا و از چه جنبه‌هایی به همدیگر شبیه یا متفاوت و همین‌طور با سایر خانواده‌ها و افراد، متفاوت هستند گفت‌وگو می‌کنند.

یکی از نگرانی‌های عمده درخصوص افزایش دسترسی به اینترنت در خانه، قرارگرفتن نوجوانان در معرض مطالب جنسی است. خطر دیگر، قرارگرفتن در معرض وب‌سایت‌های نفرت‌پراکن است که خشونت، جدایی، توهین، قریب با دشمنی در مقابل دیگران را بر اساس نژاد، مذهب، قومیت، جنسیت یا تمایلات جنسی تشویق می‌کند. اینترنت، ابزاری منحصر‌به‌فرد است که انتشار پیام‌های نفرت را به اشکال گوناگون، از کاریکاتور و طنز گرفته تا استفاده از داستان‌های کاذب تسهیل می‌کند. یک نگرانی دیگر والدین این است که نوجوانانی که از اینترنت استفاده می‌کنند ممکن است با دادن اطلاعاتی درباره خود و خانواده‌هایشان، به بازآرپا‌ها اجازه دهند پروفایل‌های مسوطی از زندگی خانواده‌ها تشکیل دهند.

درمجموع، جست‌وجوی اینترنتی برای اطلاعات، از آنجا که منجر به قرارگرفتن نوجوانان در معرض مطالب بسیار گوناگونی می‌شود، چالشی را برای مرزهای خانواده ایجاد می‌کند. قراردادن روزافزون نوجوانان در معرض مطالب گوناگون می‌تواند مرزهای خانواده را سست و در آن ایجاد تنش کند. خانواده‌ها با این تنش



دست‌وپنجه نرم می‌کند و تلاش دارند خود را با چالش‌های جدیدی که دسترسی به اینترنت فراهم کرده است تطبیق دهند. انسجام خانواده به‌عنوان «پیوندی عاطفی که اعضای خانواده نسبت به یکدیگر دارند» تعریف می‌شود. این انسجام به معنای تعامل مثبت والدین با فرزندان است که در فعالیت‌های مشترک، رفتارهای ایجابگرانه و مهر و محبت بازتاب می‌یابد. زمان اختصاص‌یافته به خانواده، عامل مؤثری در انسجام خانواده و همچنین ساختن و تداوم مرزهای خانواده است. هرچند ایده زمان خصوصی خانوادگی همچنان به‌عنوان یک ایده‌آل فرهنگی وجود دارد،اما عوامل بسیار زیادی عملی‌شدن این هدف را دچار مشکل می‌کنند. با ازدیاد فناوری در خانه به نظر می‌رسد که کم‌شدن کنترل والدین بر دسترسی اعضای خانواده به اطلاعات در محل تقاطع دو دهنده اینترنت قرار دارد: نخست اینکه برای آنها فرصت‌های زیادی برای فعالیت‌های مشترک در خانه ایجاد می‌کند و دیگر آنکه به‌سادگی آنها را به دنیای مجرد فناوری که توجه شخصی آنها را می‌طلبد، رهنمون می‌کند.

با وجود شواهد مبنی‌بر تأثیر منفی استفاده از اینترنت از سوی نوجوانان بر زمان اختصاص‌یافته به خانواده، تصویر کلی دارای اثرات پیچیده‌تر نسلی است. در مراحل ابتدایی خانگی‌شدن فناوری اطلاعات و ارتباطات، والدین و فرزندان با نوعی جدایی نسلی روبه‌رو شده بودند. شکافی در مهارت‌های فناوریانه ایجاد شده بود و فرزندان مهارت‌های بیشتری نسبت به والدینشان داشتند. امروزه تعداد بسیار بیشتری از والدین جوانان مهارت‌های لازم را برای استفاده از اینترنت دارند. این روند در تعدادی از مطالعات که نشان می‌دهند اینترنت به‌جای جداکردن فرزندان از والدین، تبدیل به یکی از فعالیت‌های مشترک داخل خانه شده است، منعکس می‌شود.

سعدی‌پور همچنین در مقاله خود می‌نویسد که ورود رایانه به خانه‌ها این قابلیت را دارد که در زمینه قدرت و خودمختاری موجب تعارضات جدیدی شود. نگرانی والدین ممکن است آنان را وادار کند که قوانینی را درخصوص میزان استفاده از اینترنت ایجاد کنند اما نوجوانان این قوانین را دخالّت در امور شخصی‌ای تلاش برای کاهش خودمختاری‌شان می‌دانند. استفاده از رایانه مستلزم دانش و مهارت است و کودکان بیش از والدینشان این مهارت را دارا هستند. هنگامی که نوجوان تبدیل به فردی می‌شود که دیگران برای گرفتن راهنمایی به او مراجعه می‌کنند، تعادل قدرت در خانواده دستخوش تغییر می‌شود. خانواده‌ها می‌توانند، اجتماعی هستند که از طریق سلسله‌مراتب قدرت شکل می‌گیرند. ورود رایانه می‌تواند این سلسله‌مراتب را تغییر دهد زیرا نوجوان در خانواده تبدیل به متخصص می‌شود و سایر اعضا باید از او راهنمایی‌های فنی بگیرند. در این شرایط، نوجوان منابعش را نسبت به والدین افزایش می‌دهد و توانایی‌اش برای چیره‌شدن بر فضا بیشتر می‌شود.

نسل ایگرگ

نسل هزاره که به نسل ایگرگ یا نسل شبکه نیز معروف‌اند، نوجوانی‌شان را در ابتدای قرن ۲۱ تجربه کرده‌اند. بر سر این موضوع که تولد نسل ایگرگ از چه زمانی آغاز شده و کی به پایان رسیده است، هیچ اجماعی وجود ندارد. برخی صاحب‌نظران معتقدند که تولد نسل ایگرگ در جایی اواخر دهه ۱۹۷۰ یا اوایل دهه ۱۹۸۰ آغاز شده و در اوایل دهه ۲۰۰۰ به پایان رسیده است.

به نظر می‌رسد نخستین افراد نسل هزاره در سال ۱۹۷۸ به دنیا آمده‌اند؛ هرچند بر اساس گزارش‌های منتشرشده در مجله نیوزیک، نسل هزاره در سال‌های بین ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۴ به دنیا آمده‌اند. بر اساس آنچه در نیویورک‌تایمز بر چاپ رسیده، نسل هزاره ممکن است در فاصله سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۰ و ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۸ به دنیا آمده باشند. نویسندگان مجله تایم نیز دراین‌باره نظر دیگری دارند. آنها معتقدند که نسل سوم در فاصله سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ به دنیا آمده‌اند؛ درهرحال آنچه از کنارهم قراردادن اطلاعات به دست می‌آید، آن است که نخستین نوزادان نسل ایگرگ درسال ۱۹۷۶ به دنیا آمده‌اند و در نهایت آخرین‌شان در سال ۲۰۰۴ زاده شده‌اند.

کودکان نسل هزاره در فضایی به دنیا آمده‌اند که تکنولوژی‌های پیشرفته و امکانات اینترنت و شبکه‌های آنلاین برای آنها مهیا بوده است. این نسل یکی از اهداف بسیار مهم بازاربایان بوده‌اند و به‌طور معمول نسلی هستند که رؤیاهایشان را دنبال می‌کنند. به آنها گفته شده است که خاص و ویژه هستند و اساسا بسیار مطمئن به نظر می‌رسند. خودشیفتگی در میان این نسل به‌وفور مشاهده می‌شود. این نسل از دیگر نسل‌ها در ایالات متحده آمریکا به مراتب خوش‌بین‌ترند. آنها به لحاظ اقتصادی از نسل والدین‌شان عقب مانده‌اند؛ هرچند گفته می‌شود نسل ایگرگ نخستین نسلی هستند که والدین‌شان از آنها کمک می‌گیرند و برای انجام برخی امور وابسته به تکنولوژی به آنها وابسته‌اند.

بررسی آمارها نشان می‌دهد که نیمی از افراد نسل هزاره نسبت به سیاست هیچ‌گونه وابستگی‌ای از خود بروز نمی‌دهند. در ۲۹ درصد آنها نیز هیچ‌گونه وابستگی به دین مشاهده نشده است. آنها بیشترین تعداد دوست در شبکه‌های اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند؛ برای مثال اگر تعداد دوستان فیس‌بوکی در نسل والدین دوستان فیس‌بوکی در نسل آنها (نسل ایکس) حدود ۲۰۰ بوده است، تعداد دوستان فیس‌بوکی آنها بیش از دو برابر و در حدود ۵۰۰ نفر گزارش شده است. در مقایسه با نسل ایکس یعنی نسل والدینشان، نسل هزاره به‌مراتب بیشتر سلفی می‌گیرند. ۵۵ درصد عکس‌هایی که نسل هزاره منتشر می‌کنند، سلفی است. این در حالی است که در نسل والدینشان این درصد در حدود ۲۰ است.

این نسل به‌طور میانگین در هر روز ۵۰ پیامک می‌فرستند. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که در حدود ۷۶ میلیون نفر متعلق به نسل هزاره در ایالات متحده آمریکا زندگی می‌کنند. این نتایج از بررسی‌های سال‌های میان ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۰ به دست آمده است. این نسل، بزرگ‌ترین نسلی هستند که در قرن بیستم به دنیا آمده. یکی از والدین ۲۰ درصد از افراد این نسل، مهاجر هستند.



عکس: امیر حاجی‌بی

شود؛ اما نوجوان باهوش امروزی درباره مقوله بی‌کاری دانش‌آموختگان آموزش‌عالی نیز اطلاعاتی دارد و گاه از خود می‌پرسد که ما برای کدامین آینده در این مدارس تلاش می‌کنیم؟

❧ **در چنین فضایی که مدرسه نمی‌تواند بچه‌ها را نگه‌دارد و آرمان دانشگاه نیز ناکارآمد شده است، به‌علاوه خانواده نیز دچار تغییر شده و اقتدار خود را از دست داده است، باید چه انتظاری از نوجوانان داشته باشیم و منتظر بروز چه پدیده‌هایی باشیم؟**

حق‌ال این است که تحلیل درستی را از پدیده اجتماعی ظهور فرهنگ نوجوانی ارائه دهیم. نباید به جای شناخت بهتر اوضاع، زود این نوجوانان را محکوم کنیم. در روزهای اخیر دیدیم که آنها را محکوم می‌کردند که هنجارشکن هستند. در این نسل پتانسیلی وجود دارد که می‌توان از آن برای بهبود این جامعه استفاده کرد. شبکه‌های اجتماعی منشأ قرارگذاشتن برای تجمع در مرکز خرید کورش بودند. این نشان می‌دهد که زمینه تفکر نسلی این نوجوانان، آ‌تی‌تی و شبکه‌های اجتماعی است. اینکه در مرکز خرید قرار گذاشتند، نشانه این است که مصرف در میان آنها عمده است. اینها نسل سبک زندگی خواهند بود. نسل سبک زندگی قیلا هم وجود داشت و چیز جدیدی نیست اما به تازگی مرزهای خود را تا ۱۳ سالگی پایین آورده است. این تین‌ایچرها درواقع به دنبال مصرف‌اند و هدفشان این است که زندگی خودشان را داشته باشند و کمتر دغدغه جامعه و مسئولیت اجتماعی دارند. این نسل از اولین فرصت برای مهاجرت به دیگر سرزمین‌ها استفاده خواهد کرد و چندان خود را درگیر دغدغه‌های ماندن و ساختن نمی‌کند. اینها نسل انتخاب‌اند. نسل انتخاب به این معنا که در بند مرزها و حدود جغرافیایی تقدیری باقی نمی‌مانند؛ آن‌ها خود را ناچار به ماندن نمی‌یابند. اینکه افق دید آنها باز و گسترده است، یک فرصت است و درعین‌حال یک تهدید. فرصت در این است که شما کی نسل خلاق و سازنده دارید. والدین اینها دغدغه جامعه را داشتند، اما افق ذهنی‌شان باز نبود. اینان افق ذهنی بزاری دارند، ولی چندان دغدغه جامعه را ندارند. اگر دغدغه جامعه بر افق باز اینها اضافه شود، می‌توان جامعه را ساخت. درست است که با ظهور تین‌ایچرها سن آسیب‌های اجتماعی پایین آمده، اما سن خلاقیت فکری هم پایین آمده است. امروز یک بچه ۱۳ساله می‌تواند طراح صنعتی باشد یا اثر هنری بیافریند یا یک سایت جهانی را هک کند. وابستگی به سبک زندگی و مصرف اگر به صورت یک سبویه باشد، ممکن است تهدیدهایی برای جامعه ایجاد کند. تعلق‌نداشتن به جامعه بزرگ‌تر، یکی دیگر از مسائلی است که این تین‌ایچرها دارند. در این‌س مورد نمی‌خواهم یک قضاوت جوهری بکنم. این وضعیت با تجربه نسلی آنان ارتباط دارد. نظام مدرسه در آنها تعلق اجتماعی نیافریده است. آنها مشغول تست‌زدن بودند و وقت نداشتند به عشق به جامعه بیندیشند و اساسا هیچ طرح درسی برای تقویت تعلق اجتماعی بین آنان وجود نداشته است.

❧ رویکرد این نسلی که چندان احساس تعلق ملی ندارد، به کنش سیاسی چگونه خواهد بود؟

با توجه به ادبیات علمی، سه نوع سیاست را می‌توان از هم تفکیک کرد؛ سیاست نهادین، سیاست جنبش‌های اجتماعی جدید و سیاست سبک زندگی. سیاست نهادین، همان سیاستی است که به قول کدینز در آن، افراد به دنبال راه‌یابی‌بخشی هستند و از طریق حزب و ساختن دولت و مبارزه نهادین و حضور نهادین در انتخابات و سایر فعالیت‌های سیاسی، اتفاق می‌افتد. سیاست جنبش‌های اجتماعی جدید به جنبش‌های جوانان، زنان و محیط زیست‌گفته می‌شود. یکی دیگر هم سیاست سبک زندگی است که درواقع به معنای غیرسیاسی‌شدن جامعه است و به یک معنا، نشان‌دادن یا ارسال علامت‌های سیاسی با انتخاب‌های مصرف‌گرانه و توجه به سبک زندگی. به‌طور نسبی، این سه نوع سیاست در ایران یک توزیع نسلی دارند. در نسل دهه‌های ۳۰ و ۴۰ بیشتر سیاست نهادین و در نسل دهه‌های ۵۰ و ۶۰ سیاست جنبش‌های اجتماعی جدید و در نسل دهه‌های ۷۰ و ۸۰ بیشتر می‌توان سیاست سبک زندگی را دید. سبک زندگی یک راهبرد غیرسیاسی است، ولی البته دلالت‌های سیاسی هم دارد. جوان یا نوجوانی که در خیابان با پوشش و آرایش و رفتار خاص خود ظاهر می‌شود، پالس‌های سیاسی هم می‌فرستد. این پالس‌ها لزوماً آگاهانه نیستند، ولی رفتار اجتماعی و فرهنگی و سبک زندگی جوانان و نوجوانان دلالت‌های سیاسی دارد. بدون اینکه آنان به‌طور آگاهانه و برنامه‌ریزی‌شده در پی یک کنش سیاسی باشند. جوانان در مرکز خرید کورش هم نخوابسته‌اند حرکت سیاسی کنند، ولی کار آنها پالس سیاسی هم دارد.

اتفاقا باید به‌طور همدلانه به این پالس‌ها توجه کرد؛ آنها دارند وضعیتي ناآشکار را هویدا می‌کنند که توجه به آن و بهره‌برداری مناسب از ظرفیت‌های ناشی از آن، می‌تواند به بهبود اوضاع کمک کند. به بیان دیگر، جامعه در حال غیرسیاسی‌شدن است، اما این غیرسیاسی‌شدن جامعه و نسل‌های جدید ولی نفسه خبر خوبی نیست. ❧ **با توجه به اینکه در تمام دنیا آ‌تی‌تی به‌شدت گسترش یافته، آیا روندی را که برای نوجوانی در ایران اتفاق افتاده، می‌توان بخشی از یک روند جهانی دانست؟**

برخلاف تصور ما، در تمام جهان هنوز به آموزش ادبی توجه دارند. امروزه در آمریکا اگر فردی بخواهد به دانشکده پزشکی برود، باید جامعه‌شناسی هم بداند. آنجا به سواد ادبی هم توجه می‌شود. نظام آموزش به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که جنبه‌های مثبت فرهنگ جوانی را تقویت کند و البته از آسیب‌های احتمالی آن نیز بکاهد.



گفت‌وگو با محمدامین قانع‌ی‌راد درباره گردهمایی کورش و نسل دهه ۸۰

فوران نوجوانی در جامعه

نگار حسینی

ماجرای چندی پیش در مرکز خرید کورش تهران جامعه را متوجه پدیده‌ای کرد که از آن غافل بودند؛ اینکه متولدان دهه‌های ۷۰ و ۸۰ شمسی در هیأتی تازه بروز کرده‌اند. این نسل که حالا دوران نوجوانی و اوایل جوانی را می‌گذرانند، با نوجوانان نسل‌های پیشین بسیار متفاوت‌اند. شاید این نسل را بتوان با نسل هزاره یا ایگرگ که در انتهای دهه ۱۹۷۰ در غرب به دنیا آمدند مشابه دانست. هرچه باشد آنچه این نوجوانان از خود نشان می‌دهند، چیزی است که پیش از این در جامعه ایرانی دیده نشده و تازه است. این است که حتی ممکن است موجی از نگرانی و هراس بابت رفتارهای این نسل در جامعه ایجاد شود. با محمدامین قانع‌ی‌راد، جامعه‌شناس، درباره این نسل گفت‌وگو کرده‌ایم.

❧ **چند روز پیش ماجرای گردهمایی نوجوانان دبیرستانی در مرکز خرید کورش تهران نگرانی‌هایی در جامعه ایجاد کرد. گویی برای نخستین‌بار بود جامعه با چنین پدیده‌ای مواجه می‌شد. البته در مراسم تشییع جنازه پاشایی هم حضور جوانان کمابیش چنین فضایی را داشت، با این تفاوت که در فضای مرکز خرید کورش، تنها بچه‌های دبیرستانی جمعیت را شکل داده بودند. شما این پدیده را چگونه می‌بینید؟**

در روزهای اخیر به‌نظم بیشتر نوعی هراس از این حادثه در اظهارنظرها به چشم می‌خورد. درواقع بازتاب‌های خبری و تحلیل‌های اجتماعی بیشتر یک نوع هراس اخلاقی را مطرح می‌کردند، اما این حادثه را باید به عنوان نشانه‌ای از تحولات فرهنگی و به مثابه یک پدیده اجتماعی تفسیر کرد. این حادثه یک پدیده اجتماعی را بازنمایی می‌کند و تحولی را از عمق به سطح می‌آورد که طبق معمول تا کنون از به‌رسمیت‌شناختن آن غفلت کرده‌ایم. باید دید ماجرای مرکز خرید کورش نشانه چه پدیده‌ای است. به اعتقاد من نشانه آن است که «تین‌ایچرها دارند می‌آیند» و این حادثه از آمدن آنها خبر می‌دهد. شاید هم قبل از این آمده‌اند، اما ما متوجه نشده‌ایم. تین‌ایچرها به اصطلاح ما «بچه دبیرستانی‌ها» هستند که بین ۱۳ تا ۱۹سالگی قرار دارند. اسم این رخداد را می‌توان «فوران نوجوانی در جامعه» گذاشت.

❧ **اگر پیش از این نوجوانی در این جامعه وجود نداشت که امروز از پدیدآمدن نوجوانان سخن می‌گوییم؟**

در گذشته نوجوانی زیستی وجود داشت، ولی نوجوانی فرهنگی وجود نداشت. چیزی به نام نوجوانی و تین‌ایچربودگی به عنوان یک مقوله فرهنگی غایب بود. دوران کودکی تا ۱۸سالگی طول می‌کشید و تلقی از بچه‌ها تا این سن این بود که آنها کودک‌اند و باید به درس و بازی کودکانه خود مشغول باشند. بنابراین گروه ۱۳ تا ۱۸ساله‌ها نوجوان به حساب نمی‌آمدند؛ چون رفتارهایی متفاوت با کودکان از آنان انتظار نمی‌رفت و آنان نیز رفتار متمایزی انجام نمی‌دادند. از جایی به بعد، جامعه اجازه داد تفکیک بین نوجوانی و کودکی اتفاق بیفتد. پیش از این بعد از ۱۸سالگی، فرد را بزرگ در نظر می‌گرفتیم. درواقع از کودکی بلافاصله به جوانی می‌رسیدیم. فرهنگ جوانی تا ۱۸سالگی تا نزدیک ۳۰سالگی ادامه می‌یافت و بعد هم وارد دوره بزرگسالی می‌شدیم. بعدها تحولاتی مانند تأخیر در ازدواج و حضور در گروه‌های

دوستی و اجتناب از پذیرفتن مسئولیت اجتماعی موجب شد فرهنگ جوانی که از ۱۸سالگی آغاز می‌شد تا نزدیک ۴۰سالگی ادامه یابد. حالا دخترها و پسرهای ۳۵ساله می‌گویند ما می‌خواهیم از جوانی خود استفاده کنیم و هنوز زود است؛ این به معنای طولانی‌شدن دوره جوانی است. درواقع، یکی از تحولات اخیر جامعه ما طولانی‌شدن دوره جوانی است. بلوغ اجتماعی که همراه با پذیرش مسئولیت اجتماعی است، معمولاً خود را در تشکیل خانواده و حتی پذیرش کار و اشتغال به صورت جدی نشان می‌دهد؛ این یعنی تأخیر در بلوغ اجتماعی. از طرفی، اتفاقی دیگر افتاده است؛ بلوغ در ۱۳سالگی در حال رخ‌دادن است نه ۱۸سالگی. از حالا به بعد با جامعه‌ای مواجهید که از ۱۳سالگی تا ۴۰ سالگی در دوره نپذیرفتن مسئولیت‌های اجتماعی به سر می‌برد. البته این وضعیت بیشتر درباره گروه‌های شهرنشین نسبتاً مرفه و دارای پایگاه اجتماعی طبقه متوسط به بالا صدق می‌کند؛ یعنی بین آن دسته از گروه‌های اجتماعی که نوع زندگی‌شان امکان درک آ‌تی‌تی و مرکز خرید را بیشتر برای آنان فراهم می‌کند؛ بنابراین درباره این قشرها می‌توان گفت دو نوع بلوغ وجود دارد: اول بلوغی که در ۱۳سالگی ایجاد می‌شود که با یک سری آگاهی‌ها همراه است و می‌توان آن را بلوغ فرهنگی نامید، از طرف دیگر بلوغی که در حوالی ۴۰سالگی رخ می‌دهد و می‌توان آن را بلوغ اجتماعی نامید. توجه کنید در گذشته ۲۰سالگی سن پیامبری بود و نهایت خرد؛ این یعنی به‌طور هم‌زمان با تعجیل بلوغ فرهنگی و تأخیر بلوغ اجتماعی مواجهیم. تین‌ایچرها در غرب از دهه ۷۰ میلادی به بعد ظهور کردند. در جامعه ایران این پدیده در حال ظهور است و ما باید خود را برای آن آماده کنیم.

❧ **ظهور تین‌ایچرها در جامعه ایران در این دوره خاص چه دلایل و در نهایت چه پیامدهایی دارد؟**

منشأ تصمیم‌گیری و قول و قرار برای تجمع و به قول خودشان میتینگ کورش، از طریق شبکه‌های اجتماعی صورت گرفت. این منشأ اتفاقاً همان دلیل اجتماعی است که نسل تین‌ایچرها را شکل داده است. این تین‌ایچرها، یعنی متولدان دهه‌های ۷۰ و ۸۰ با تکنولوژی ارتباطات بزرگ شدند. شما به چند دهه قبل نگاه کنید؛ بچه‌ها با اسباب‌بازی یعنی با عروسک و توپ و داکترن برنامه‌ها و گیم‌های تلویزیونی بزرگ می‌شدند و موبایل و شبکه اجتماعی وجود نداشت، اما اینکه آ‌تی‌تی بچه‌ها را پرورش دهد، چه مختصاتی در ذهن و زبان آنان ایجاد می‌کند؟ برخی از جامعه‌شناسان از این موضوع به